



کالابرگ دیگر تأثیر چندانی ندارد

کالابرگ در مسیر پارانه تقدی!

لژیون‌های ملی‌پوش هنوز برای فصل بعد آینده روشنی ندارند!

בלاتکلیف و بی‌مقصد!

صفحه ۵



مردم «اکبر عبیدی» را در آخرین سفرش تهنانگذاشتند

بابت تمام خاطراتی که ساختی ممنون

صفحه ۶



دارو در داروخانه موجود نیست، اما در فضای مجازی چرا!

پشت‌پرده کمبوددارو

صفحه ۷



سانسور سران سه قوه در رسانه ملی تا ایجاد دودستگی در کشور بررسی شد

تک وپاتک پزشکیان و جبلی در دولت

ماجرا توبیخ پیمان جبلی چه بود؟

اما فارغ از سانسور رئیس‌جمهوری در این رسانه و توجیهی که روابط عمومی صدا و سیما در بیانیه‌ای خود به آن استناد کرده است، در روزهای اخیر بارها مسعود پزشکیان به عملکرد رسانه ملی و حتی عدم بخش کامل بیانات رهبر انقلاب درباره مذاکره معترض شده است. شاهد این گزاره هم این است که روسای صدا و سیما شاید در سخنان و بیانیه‌های خود از حفظ وحدت و انسجام ملی سخن بگویند اما در عمل رفتار دیگری از خود نشان می‌دهند که با گفته‌هایشان تناقض شدیدی دارد. با نگاهی به اظهارات اخیر پزشکیان می‌توان این که دولت در سخنان و بیانیه‌های خود از حفظ وحدت و انسجام ملی سخن بگویند اما در عمل رفتار دیگری از خود نشان می‌دهند که با گفته‌هایشان تناقض شدیدی دارد. با نگاهی به اظهارات اخیر پزشکیان می‌توان این که دولت در طرف دیگر، معنی آن شکاف است. این حرف اسرائیل است. من نه تنها خود را از نیروهای نظامی جدا نمی‌دانم بلکه باعث عزت و سربلندی خود می‌دانم و با قدرت از آنان دفاع می‌کنم. من حاضریم بروم و در همان خط مقدم بجنگم و نه تنها از شهادت نمی‌ترسم بلکه برای خود فوز می‌دانم اما صدا و سیما حق ندارد الباقی شکاف کند». این بخشی از اظهارات پزشکیان است که از عملکرد این رسانه پرده‌برداری کرده است. او همچنین در مراسمی، با گرامیداشت نقش هدایت‌گر مقام معظم رهبری شهید در تعیین مسیر راهبردی کشور، به ویژه در خصوص پایان وضعیت «نه جنگ، نه صلح»، گفت: «اگرچه صدا و سیما تنها بخشی از سخنان ایشان درباره عدم مذاکره را پخش می‌کنند، اما در جلسات خصوصی با معظله، ایشان بر ضرورت

به بهانه‌ی نقص فنی قطع کردند با حمایت رئیس قوققضائیه از رئیس دولت چهاردهم هم سانسور کردند. عدم پخش تصاویر روسای جمهوری سابق از تلویزیون مگر به بهانه انتقاد از آنان هم دیگر تبدیل به قصه تکراری شده است. اما همین سیاست دوگانه مدیران این رسانه در برابر سیاسییونی که مورد غضب آنان قرار دارند، باعث شده تا برخی‌ها این سازمان را رسانه میلی بخوانند و نسبت به بودجه کلانی که دریافت می‌کند، اعتراض کنند.

در این میان، یوسف پزشکیان در واکنش به حذف بخش‌هایی از سخنان رئیس‌جمهوری در صدا و سیما در تویییتی نوشت که، «چه کسی در صدا و سیما تشخیص می‌دهد چه بخشی از سخنان رؤسای قوا نباید پخش شود؟ اگر چنین انسان حکیمی داریم که تشخیص او بالاتر از سرن قواست ادارهٔ کشور را به او بسپاریم. وقتی آب هست تیمم باطل است».

الیاس حضرتی رئیس شورای اطلاع رسانی دولت، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت و محمد گلزاری دبیر شورای اطلاع رسانی دولت، از دیگر چهره‌هایی بودند که به این اقدام صدا و سیما واکنش نشان دادند. با این حال این رسانه، با تأکید بر اینکه «رعایت دقیق الزامات وحدت کلمه، جلوگیری از القای تشمت و ارسال پیام اقتدار وظیفه رسانه ملی است، نوشت: «رسانه ملی میراث بسیار مهم امام مجاهد شهید را که در پیام اخیر رهبری معظم انقلاب اسلامی (حفظه‌الله) ذیل تعابیر بلند «وحدت کلمه» و «اتحاد مقدس» مورد تأکید معظم رهبری بوده، به رفتار هوشیارانه، مسئولانه و منطقی با مصالح مورد تأکید نظام پایبند است و خود و همگان را به مراقبت دائمی از آن توصیه می‌کند.»

کارشنکی‌ها و سیاسی‌کاری‌های صدا و سیما علیه دولت چهاردهم مربوط به دیروز و امروز نیست و از همان روزهایی که پزشکیان ردای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری بر تن زد، مشخص بود که کاری سخت در مقابل یاران جلیلی در این سازمان دارد. به گزارش خبرآنلاین اگر چه این روزها مسعود پزشکیان، رئیس جمهور مرتبا از اقدامات صدا و سیما انتقاد می‌کند اما دولتمردان او مانندعباس عراقچی و محمدجعفر قائم‌پناه نیز یک به یک به قطار منتقدان این رسانه ملی افزوده شدند. گویی رئیس جمهور در سومین سال ریاست جمهوری‌ش به این نکته پی برده که وفای سیاسی با تندروهای مخالفش جواب نمی‌دهد. او که روزی توصیه به دوری از دعاو می‌کرد حال منتقد شماره یک عملکرد پیمان جبلی و همکارانش است.

تبغ سانسور صدا و سیما بر گردن رئیس‌جمهور

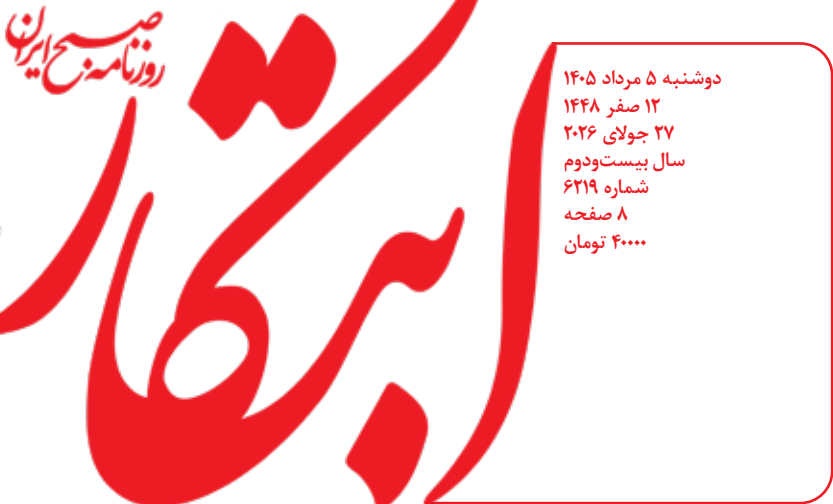
کارشنکی‌ها و سیاسی‌کاری‌های صدا و سیما علیه دولت چهاردهم مربوط به دیروز و امروز نیست و از همان روزهایی که پزشکیان ردای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری بر تن زد، مشخص بود که کاری سخت در مقابل یاران جلیلی در این سازمان دارد. سازمانی که ریاستش بر عهده پیمان جبلی بوده و قائم مقامی آن را وحید جلیلی بر عهده دارد. از تیر ۱۴۰۳ تا به امروز هم این سازمان با دعوا از کارشناسان و مجریانی که مواضع سیاسی‌شان به نگاه و مواضع سیاسی رئیس دولت سایه نزدیک بوده است، تلاش کرده تا اقدامات دولت را زیر سوال ببرد. اقدامی که از زمان شروع جنگ رمضان، بیش از پیش شده و حتی اظهارات رئیس‌جمهوری را نیز زیر تبغ سانسور می‌برد. هر چند که سانسور سخنان پزشکیان اولین اقدام سیاسی‌کارانه این سازمان نیست و پیشتر هم با سخرانی تلویزیونی قالیباف را

خبر	
اگر ایران نهناست، این همه هراس از چیست؟ ادعای ترامپ درباره فاصله گرفتن چین و روسیه از ایران، بیش از آنکه نشانه موفقیت دیپلماسی آمریکا باشد، اعترافی ناخواسته به اقتدار بومی جمهوری اسلامی و شکست پروژه انزوای ایران در میدان و دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی است. ادعای تازه دونالد ترامپ درباره گفت‌وگوهای خود با رؤسای جمهوری چین و روسیه، بیش از آنکه نمایش موفقیت دیپلماسی آمریکا باشد، پرده از واقعیتی برمی‌دارد که کاخ سفید مایل به پذیرش آشکار آن نیست. ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث سوشیال» مدعی شده است که شی جین‌پینگ در دیدار اخیر خود با وی اعلام کرده چین هیچ‌گونه سلاحی در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار نخواهد داد و ولادیمیر پوتین نیز تعهد مشابهی درباره روسیه داده است. او سپس نتیجه گرفته که دو کشوری که همواره از آنها به‌عنوان شرکای راهبردی ایران یاد می‌شود، در این زمینه مشارکتی ندارند. هرچند این روایت در ظاهر تلاشی برای نمایش انزوای ایران است، اما در بطن خود اعترافی آشکار به اتکای جمهوری اسلامی بر توان بومی دفاعی و شکست راهبرد فشار حداکثری آمریکا محسوب می‌شود. زمان‌بندی طرح این ادعا، بیش از هر چیز با شرایط دشوار داخلی آمریکا و فشارهای فزاینده بر دولت ترامپ همخوانی دارد. او در حالی از موفقیت دیپلماسی خود سخن می‌گوید که پیامدهای جنگ‌افروزی علیه ایران، از افزایش بهای جهانی نفت و آشکار شدن آسیب‌پذیری منافع آمریکا در منطقه گرفته تا افشای تلفات نیروهای آمریکایی، انتقادهای گسترده‌ای را در داخل این کشور برانگیخته است. نشست‌های استماع کنگره و پرسش‌های تند نمایندگان از مقامات نظامی، بیانگر افزایش تردیدها نسبت به کارآمدی سیاست‌های کاخ سفید است. در چنین فضایی، ترامپ می‌کوشد با روایت‌سازی درباره فاصله گرفتن چین و روسیه از ایران، شکست‌های راهبردی خود را به موفقیتی دیپلماتیک تبدیل کند. این روایت می‌تواند هم توجیهی برای ناامی‌های گذشته باشد و هم زمینه‌ای برای جلب حمایت سیاسی و مالی کنگره جهت استمرار سیاست‌های تقابلی و ماجراجویانه آمریکا در آینده. فارغ از صحت یا سقم ادعاهای ترامپ، نتیجه منطقی سخنان او چیز دیگری است. اگر چین و روسیه، آن‌گونه که او مدعی است، طی ماه‌های گذشته هیچ نقشی در تأمین تسلیحات ایران نداشته‌اند، در این صورت استمرار توان بازدارندگی، حفظ آمادگی رزمی و بازسازی ظرفیت‌های دفاعی جمهوری اسلامی نیازمند تدابیر و اتکالی کامل ایران به زیرساخت‌های بومی و فناوری داخلی. هدف اصلی ترامپ از طرح چنین ادعاهایی، القای انزوای ایران و تضعیف روحیه مقاومت از طریق جنگ روانی است. با این حال، تحولات سیاسی و دیپلماتیک هفته‌های اخیر تصویر متفاوتی ارائه می‌دهد. حضور فعال جمهوری اسلامی ایران در نشست وزیران امور خارجه سازمان همکاری شانگهای، نقش مؤثر تهران در تدوین و تصویب بیانیه‌ی اعلان، رایزنی‌های فشرده سیدعباس عراقچی با همتایان روسی و چینی و تأکید مکرر مقامات این کشورها بر گسترش همکاری‌های راهبردی، همگی نشان می‌دهد که روایت انزوای ایران با واقعیات موجود همخوانی ندارد. در کنار این تحركات دیپلماتیک، استمرار اجرای توافق‌های راهبردی میان تهران، مسکو و پکن و مواضع رسمی این کشورها درباره حق دفاع مشروع ایران، بیانگر آن است که تلاش آمریکا برای ایجاد شکاف در روابط شرکای راهبردی جمهوری اسلامی تاکنون به نتیجه نرسیده است. در این همین رو، ادعای ترامپ بیش از آنکه بازتاب‌دهنده واقعیت‌های صحنه بین‌المللی باشد، بخشی از عملیات روانی کاخ سفید برای جبران شکست‌های سیاسی و نظامی محسوب می‌شود. واقعیت میدانی نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران در برابر فشارهای همزمان نظامی، اقتصادی و روانی، توانسته است با تکیه بر انسجام ملی، ظرفیت‌های دفاعی بومی و دیپلماسی فعال، موازنه را به زیان آمریکا و متحدانش تغییر دهد. اعتراف ترامپ، برخلاف هدف اولیه او، بیش از هر چیز سندی بر خوداتکایی دفاعی جمهوری اسلامی ایران است؛ کشوری که در سخت‌ترین شرایط تحریم، فشار و تهدید، نه تنها توان بازدارندگی خود را حفظ کرده، بلکه با اتکا به ظرفیت‌های داخلی و دیپلماسی هوشمند، جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود را نیز تثبیت کرده است. از این منظر، ادعای دور شدن چین و روسیه از ایران، نه نشانه انزوای تهران، بلکه اعترافی ناخواسته به شکست راهبرد مهار و ناتوانی آمریکا در متوقف ساختن مسیر پیشرفت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران است.	

اظهارات ضدونقیض سخنگوی دولت

آیا باید منتظر افزایش قیمت بنزین باشیم؟

صفحه ۶



روایت رسانه های آمریکایی از وضعیت حاکم بر رابطه تهران–واشنگتن بررسی شد

معلق میان جنگ و صلح

همزمان با برگزاری مذاکرات فنی ایران و عمان درباره مدیریت تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز، مجموعه گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های آمریکایی از جمله واشنگتن پست، آسوشیتدپرس، ای‌بی‌سی نیوز و هیل حاکی از آن است که روابط تهران و واشنگتن وارد مرحله‌ای شده که در آن، فشار نظامی و تلاش‌های دیپلماتیک به طور همزمان دنبال می‌شود؛ مرحله‌ای که هنوز نه به صلح منجر شده و نه جنگ را به پایان رسانده است.

قریب به پنج ماه پس از آغاز دور جدید حملات ایالات متحده و رژیم اسرائیل به ایران، مجموعه گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌های معتبر آمریکایی در چند ساعت اخیر نشان می‌دهد که همه آنها در یک خط تحلیلی متفق القول هستند: «روابط تهران و واشنگتن وارد مر حله‌ای پیچیده و چندلایه شده که نه می‌توان آن را جنگ تمام‌عیار نامید و نه صلح.»

در حالی که عملیات نظامی آمریکا در چهل و هشت ساعت اخیر کاهش یافته و کانال‌های دیپلماتیک از جمله رایزنی‌های فنی ایران و عمان با هدف رسیدن به سازوکار مدیریتی مشترک برای تنگه هرمز دوباره فعال شده اما همزمان تهدید به تشدید حملات هم به عنوان بخشی از راهبرد واشنگتن باقی مانده و تهران نیز بدون عقب‌نشینی از مواضع خود، گفت‌وگوهای فنی و سیاسی را با میانجی‌ها ادامه می‌دهد.

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا در روزهای گذشته بیش از هر زمان دیگری مدعی وجود مذاکرات با ایران شده است. روزنامه واشنگتن پست در گزارشی خبر داده که ترامپ در جریان یک نشست ۳۸ دقیقه‌ای در کاخ سفید حداقل ۶ بار از در جریان بودن گفت‌وگوهای آمریکا با ایران سخن گفته‌است؛ تغییری آشکار در ادبیات رئیس‌جمهور آمریکا که پس از چند روز تهدید به حملات گسترده‌تر، اکنون تلاش دارد دیپلماسی را نیز موازی با فشار نظامی پیش ببرد.

شرح درصفحه ۷

محمود گبرلو

سرمقاله



«مردمی بودن» هنر خریدنی نیست!

اکبر عبیدی برای همه‌ی ما فراتر از یک بازیگر ساده بود؛ او بخشی از خاطرات شیرین و شناسنامه‌ی خنده‌های چند نسل از مردم ایران بود. خبر مرگ اکبر عبیدی واقعاً ته دل آدم را خالی می‌کند و آدم را می‌برد به این فکر که چقدر جای این آدم‌های بزرگ خالی است و چقدر زود دیر می‌شود. آدم وقتی اسم اکبر عبیدی را می‌شنود، ناخودآگاه یک لبخند روی لبش می‌آید، ولی ته دلش هم یک ترسی می‌نشیند که نکند یک روز این لبخندها برای همیشه جایشان را به حسرت بدهند. سن ۶۶ سالگی برای رفتن و پر کشیدن اکبر عبیدی خیلی زود است؛ مخصوصاً برای کسی که یک ملت با او خندیدند و گریه کردند و تازه باید تجربه‌هایش را در صحنه تئاتر یا بر پرده‌های سینما و حتی در انتقال تجربه و آموزش به کار ببرد. توی تاریخ سینمای ما، بازیگر کم‌دی کم نبوده و نیست، ولی چند نفرشان می‌توانند ادعا کنند که واقعاً توی دل مردم خانه کرده‌اند؟ این «محبوب بودن» و «مردمی بودن» یک فرمول فرمایشی یا خریدنی نیست؛ یک هنر دلی است که فقط تعداد انگشت‌شماری از نابغه‌ها رگ خوابش را بلدند. راز ماندگاری این آدم‌ها کلاً توی دو تا چیز خلاصه می‌شود: اولیش آن مهارت و نبوغ بی‌حومرزشان است؛ اینکه می‌توانند با یک حرکت چشم، با یک تغییر لحن ساده یا نشستن توی قالب یک کاراکتر کاملاً متفاوت، جادو کنند؛ مثل اکبر عبیدی که می‌تواند توی «مادر» علی حاتمی، جوری نقش یک آدم با شرایط خاص را بازی کند که دلت برایش کباب شود و همزمان توی «دزد عروسک‌ها» یا «سفر جادویی» جوری بچه‌ها را بخنداند که قهمران رؤیاهایشان بشود، یا در «خراجچه‌ها» قشر حزب‌اللهی، رزمنده و مذهبی را وادار به قهقهه کند! کدام بازیگر را سراغ داری که بتواند همزمان هم پیرزن بشود، هم بچه بشود، هم لات چاله‌میدان و هم یک آدم اتوکشیده؟

ادامه درصفحه ۷